انشاء طولی و نسخ

30:49

شاگرد: احتمال نسخ هم میرود؟

استاد: «الفرض الاول» که نسخ نشده. میگویند «اذا حضروا لزمهم الفرض الاول».

شاگرد: در تخصیص میگویند مراد جدی، امر واحدی است که مخصص آن را نشان میدهد. میتوان از نسخ تفسیری جدیدی ارائه شود که اینطور نیست آن حکم اول از بین برود.

استاد: شما از طولیت، تعبیر به نسخ میکنید. یعنی خلاصه یک حکمی بر حکم قبلی سوار شده و کاری کرده که الآن حکم زمینه و فرض اول، فاعلیت ندارد. اگر این جور بگویی مانعی ندارد اما نسخ رایج اینطور گفته نمیشود. این مانعی ندارد. یعنی عبارة اخری از طولیتی است که عرض میکنم.

شاگرد۲: آن طولیت هم لزوماً نسخ نیست. چون تنها اگر به نحو عزیمت باشد شبیه نسخ میشود. و الا طولیت هم کار میکند.

استاد: بله، ظاهراً منظور ایشان از نسخ همین است. یعنی بهنحویکه از منسوخ از کار نیافتد. یا دیگر از کار میافتد؟

شاگرد: روایت دارد که اول بر جمیع مؤمنین و مومنات واجب شد، بعد میگوید «رخّص فی المرأة»، یعنی اول زن در روایت ذکر میشود که بر او واجب شد. بعد میگوید در مرأة ترخیص داده شد. فضایی که میبینند فضای نسخ است. فضای تخصیص نیست.

استاد: اگر نسخ هست، وقتی حاضر شد، منسوخ در اینجا چه کاره است؟ شما این را توضیح بدهید. فرض اول هست یا نیست؟ اگر هست پس منسوخ نیست.

شاگرد: چطور میخواهیم رخصت را معنا کنیم؟ رخصت یعنی میتواند بیاید و میتواند نیاید. یعنی اختیارش مشروع است. حال سؤال بعدی این است که اگر آمد چه؟

استاد: ببینید ارتکازی که ما از نسخ و منسوخ داریم چیست؟ منسوخ یعنی دیگر کنار رفته. طولیتی که من روی آن تأکید دارم این است که در مقام طولیت کاملاً هر دو را بالفعل ببینیم. ولو فاعل نیست. این بالفعل دیدن چه آثاری در احکام فقهی دارد. همین که علماء میگویند قصد وجوب کند یا نه؟ الآن این مرأة آمد، قصد وجوب بکند یا نکند؟ شما میگویید منسوخ شده. منسوخی که منسوخ است... .

شاگرد: چطور نسخ شد؟ آیا نسخ شد که اصلاً بر تو واجب نیست؟

استاد: شما منسوخ را معنا کنید. منسوخ یعنی چه؟

شاگرد: رخصت یعنی میتواند بیاید و میتواند نیاید. نه اینکه نیا. بله، اگر نسخ به این صورت بود که میگفتند تو نیا، اگر میآمد هم میگفتیم نمیتواند نیت وجوب کند. اما در نسخ گفتهاند میتوانی بیایی و میتوانی نیایی.

استاد: یعنی شما یک میگویید ما یک جور نسخ ترخیصی داریم. منسوخ ترخیصی داریم. منسوخ ترخیصی به چه صورت میشود؟ وقتی او رخصت را انجام داد و حاضر شد، چون منسوخ ترخیصی بود الآن بالفعل است. اگر به این صورت توضیح بدهید مانعی ندارد. ولی عرض کردم خلاف آن انسی است که همه با کلمه منسوخ دارند.

شاگرد۲: خلاف انس نیست؛ قبلاً از مرحوم مظفر مطرح فرمودید «هل یدل النسخ علی الجواز بالمعنی الاعم».

استاد: همان جا منسوخ از حیث جایی که منسوخ است، منسوخ شده. ایشان میخواهد همان بخشی هم که منسوخ است را منسوخ نگیرند. با بحث آن جا تفاوت میکند. در آن جا وقتی وجوب نسخ شد، دیگر نسخ شده، نه اینکه باز بالفعل باشد. اما ایشان میخواهند بگویند چون به نحو ترخیص نسخ شده، باز آن منسوخ باقی است. همین عبارت اخری از طولیت میشود. اگر تفاوت دارد بفرمایید. اینکه شما گفتید با آن چه که در ذهن من بود منطبق شد.

شاگرد: اینطور که شما تقریرکردید مساوی با عدم نسخ است. یعنی با نسخ اصطلاحی فرق دارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 30 آوریل 2026 12:33:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 آوریل 2026 12:35:55 توسط ... .